**( 209 )**

**هو الله**

رشت حضرت ابتهاج الملک علیه بهاء الله ایها الابتهاج کن کالسراج الوهاج فی زجاج محبت الله تا ابتهاج روحانیان گردی و امتزاج بین آب و آتش دهی زیرا بتحلیل آب و آتش را آمیزش توان داد و علیک التحیة و الثنآء رشت حضرت مدبر الممالک علیه بهآءالله ای ثابت بر پیمان تدبیر در امور عبارت از اتقانست یعنی باید هر امری را چنانکه باید و شاید اجرا نمود مثلا جام نورانیرا صهبای رحمانی باید چنانچه شاعر گفته رق الزجاج و راقت الخمر و تعاکسا فتشابه الامر و کانما قدح و لا خمر صفای جام و لطف باده هر بری آئینه اولمشدر تعاکسد نطولائی شبهه یه میدان قالمشدر دگل صهبای جانپرور باقن الحق قدح در بو دگل بو جام یاقوتی می الحق سایه صالمشدر پس معلوم گردید که فیض رحمانیرا قلب نورانی لازم و پرتو شمس حقیقت را آینه جهان نما سزاوار و علیک التحیة و الثنآء رشت حضرت سعید الملک علیه بهآء الله ای بندۀ پروردگار سعادت عالم ملک چون با بشارت عالم ملکوت توأم گردد نور علی نور شود انشآء الله بهر دو فائزی و علیک التحیة و الثنآء رشت حضرت مبصر الملک علیه بهآءالله ای ثابت بر پیمان بصر در عالم ملک کشف صور اشیا نماید ولی بصیرت در عالم ملکوت کشف حقائق ممکنات کند امیدوارم که بهر دو موفق و مؤید و فائز باشید و علیک التحیة والثنآء رشت حضرت حاجی آقا خلیل علیه بهآء الله ای خلیل جلیل حمد خدا را که بنورانیت جهان الهی عزیز و نبیلی و در نار نمرودی گلشن رحمانی یافتی و از عون و صون جبریل نیز رخ بتافتی در خطاب الک حاجة اما الیک فلاگفتی و علیک التحیة الثنآء رشت حضرت آقا سید محمد مجتهد علیه بهآء الله ای سید بزرگوار عالم انوار است و معرض اسرار و مصدر آثار افق حقیقت روشن است و انجمن رحمانی غبطه صحرا و چمن وقت نوبهارست و سیر گلگشت و گلبن و گلزار و من بیاد تو مشغول و مسرور در لیل و نهار و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب میرزا علیرضا خان علیه بهاء الله ای یار مهربان بشارات حضرت رحمن پیاپی است و پیک نیک پی مژده الطاف حضرت یزدان میدهد بلبل گلبانگ صلح و صفا میزند و مژده صلح و امان میرساند و آیات راستی و آشتی ترتیل مینماید پس تا توانی در سلامت عموم بکوش و جز الفت و محبت میندیش و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب میرزا محمد علیخان علیه بهآء الله ای دوست صمیمی من براستی و حق پرستی انسان در عالم امکان روشن و تابان گردد الحمد لله رخی بنور محبت الله روشن داری و کاخی بانجمن یاران گلشن و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب میرزا ابوالقاسمخان علیه بهآء الله ای یار دیرین الحمد لله در بهار روحانی مانند گل رحمانی پیرهن چاک نمودی و شکفته و مشکبار گشتی و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب آقا سید اسدالله علیه بهآء الله ای بندۀ الهی اینجهان فانیرا بقائی نه و این خاکدان ترابی را صفائی نه و یاران جسمانی را وفائی نه مرغ چمنستان حقیقت البته هر وقت آرزوی گلشن تقدیس نماید و بگلبن معانی پرواز خواهد و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب آقا سید مهدی علیه بهآءالله ای بندۀ الهی نور هدایت چون در شبستان دل پرتو انداخت جان را از تقید آب و گل رهائی بخشید جهان دیگر یافت و بگلشن دیگر شتافت و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب آقا سید ناصر علیه بهآء الله ای روحانی انشآء الله منصوری و مغفور و مؤیدی و موفق در عبودیت آستان مقدس بندۀ شاطری و بیچارگانرا معین و ناصر و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب آقا میرزا یحیای حکیم علیه بهاءالله ای طبیب قلوب حکمت یونانیان دوای جسمانیان نماید ولی حکمت لقمانی و طب رحمانی علاج دل و جان کند امیدوارم که بهر دو مؤید گردی و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب میرزا آقای حکیم علیه بهآءالله ای حکیم حلیم بیماران را بروح و ریحان معالجه نما و تا توانی دل و جان شادمان کن بسرور روحانی امراض و علل بی‌پایان را تداوی ممکن زیرا قلب چون فرح یابد تأثیر عظیمی در جسم و تن نماید و طبیب بتفریح و تبشیر و تسریر روحانی علاج عظیم تواند و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب حاجی میرزا محمد ارباب علیه بهآء الله ای ثابت بر پیمان ارباب جمع رب است و ربوبیت وجود در عبودیت درگاه حضرت مقصود تا توانی در اینمقام ثابت و مستقیم باش تا جمیع اشیا را طائف حول بینی و علیک التحیة والثنآء رشت جناب ناظم میزان علیه بهآءالله ای بندۀ رحمن میزان قویم و قسطاس مستقیم الیوم عهد و پیمانست جمیع باین میزان موزون گردند و اما من ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیه و اما من خفت موازینه فامه هاویه و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب سراج دیوان ای بندۀ بها مانند شمع در بین جمع یاران برافروز و چون شاهد عشق در انجمن رحمن پرده بسوز نور تابان شو و جلوه بی‌پایان نما و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب آقا علی علیه بهآء الله ای بندۀ حق عالم امکان را انقلابات بیحد و پایانست گهی اوجست و گهی حضیض گهی سود است و گهی زیان امر معسور عاقبت میسور گردد و شدت برخا تبدیل شود و علیک التحیة و الثنآء رشت جناب آقا غلام علیه بهآءالله ای بندۀ ثابت الهی محزون مشو مغموم مگرد دلخون منشین مخمود مشو امور را حکمتی در پی و زحمت را رحمتی در عقب شجر چون بی‌برگ گردد سبز و خرم شود و مرغ مقصوص الجناح پر تازه برویاند و هلال ضعیف بدر منیر گردد لا تحزن ان الله معنا و علیک التحیة و الثنآء (ع ع)